

## اتحادیه کارگران صنعتگر، آغازی پر شور، پایانی...؟

بهزاد سهرابی

دوشنبه بیست سوم دی ۱۳۸۷

دوستان کارگر، آنچه که تقدیم می گردد روند تشکیل و فعالیت " اتحادیه کارگران صنعتگر " در شهر سنندج به سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ در مصاحبه‌ای با ابراهیم وکیلی یکی از فعالین دیرین جنبش کارگری و یکی از اعضای موسس " اتحادیه کارگران صنعتگر " می باشد. کوتاه این که، وی در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای کارگری در سنندج متولد شد. در سال ۵۷ در جریان قیام مردم ایران علیه رژیم شاه شرکت نمود و از همان سال با مبارزات سیاسی آشنا، و در رابطه با مبارزات کارگری در سال ۶۷ دستگیر و زندانی گردید. وی آخرین بار به اتهام شرکت در اعتصاب ریسندگی پریس سنندج در سال ۸۵ بازداشت گردید. با توجه به اینکه ایجاد تشکل کارگری یکی از مباحث جنبش کارگری است، ضروری دانسته شد که با وی در راستای ایجاد تشکلهای کارگری در سال ۶۴ گفتگویی را داشته باشم تا با انتقال این تجارب در راستای منافع طبقاتی کارگران مفید واقع گردد.

بهزاد سهرابی . ابراهیم عزیز، قبل از هر چیز از حضور شما، در این نشست دوستانه، بی نهایت سپاس گزارم.

ابراهیم وکیلی . من هم از شما کمال تشکر را دارم.

همانطور که آگاهید، جنبش کارگری با توجه به قدمت مبارزاتی خود تا کنون تجاربی را پیش رو داشته که متاسفانه به دلایل متعددی از جمله عدم امکانات رسانه ای، انتقال این تجارب به نحو مطلوبی صورت نگرفته است. اگر اجازه دهید، می خواهم در مورد چگونگی ایجاد اولین تشکل کارگری که به نیروی کارگران در سنندج تشکیل شده بود و کاملاً در عرصه مناسبات کارگری اکتیو و دخالتگر بود، بحث را شروع کنم. بی شک انتقال تجارب شما در این زمینه مفید واقع می گردد. سوال من اینست؛ از چه تاریخی شما این کار را در دستور کار گذاشتید و هم چنین روند تشکیل ایجاد این تشکل و چگونگی انتخاب نام آن به عنوان "اتحادیه کارگران صنعتگر"، و چگونگی فعالیت دوستان برای تشکیل اتحادیه و همچنین ارتباط گیری شما با کارگران و خانواده های کارگری و حضور شما در محلات کارگری در شهر سنندج چگونه بود؟ در این موارد لطفا توضیح دهید.

در بهار سال ۱۳۶۴ با چند نفر از دوستان کارگرو فعالین کارگری بنا به نیاز، و بعد از بحث و مجادله های فراوان به این نتیجه رسیدیم که با توجه به وضعیت موجود باید انرژی خود را در ایجاد متشکل کردن خود و دیگر کارگران در صفی واحد بکار اندازیم. تصمیم گرفته شد، اما چگونه؟ این سوالی بود که بواسطه عدم تجربه کاری در زمینه ایجاد تشکل های کارگری، به عنوان نقطه شروع ، جواب آن بر دوستان نمایان نبود. بعد از تحقیق و بررسی در این زمینه، به این نتیجه رسیدیم که حتماً با یکی از سندیکاهای کارگری در شهر ارتباط برقرار کنیم و با توجه به تجربه قدم اول را برداریم. در این راه از طریق یکی از سندیکای کارگران خیاط ارتباط برقرار کردیم. بعد از ارتباط با دوستان خیاط تصمیم گرفته شد که با توجه به امکانات، کار خود را در این رابطه ادامه دهیم و با حضور در میان کارگران مکانیک نیروی

لازمه را بدست بیاوریم. بعد از چند ماه ارتباط گرفتن با چندین نفر از کارگران مکانیک جمعی را با حضور کارگران مکانیک اعلام کردیم و در یکی از کوچه های خیابان سیروس در شهر سنندج جمع شدیم. با استفاده از میز و نیمکت های یکی از مدارس سعی کردیم تا حدی، راحتی شرکت کنندگان را فراهم آورده و هم، رسمیتی نسبی به تجمع داده باشیم. در این جلسه تعداد ۴۰ الی ۶۰ نفر شرکت کرده بودند. چند نفر از کارفرمایان بدلیل بی اطلاعی از ماهیت این جلسه در آنجا حضور داشته بودند که بعد از اینکه از ماهیت و کارکرد جلسه مطلع شدند با تهدید و توهین جلسه را ترک کردند. بحث درباره موقعیت طبقه کارگر و نقش تعیین کننده این طبقه و همچنین ضرورت ایجاد تشکل کارگری به نیروی کارگران صورت گرفت. بعد از آن چند نفر از کارگران تعیین شدند که به اداره کار، مراجعه تا بتوانند با گرفتن مجوز رسمی در قالب تشکل کارگری "سندیکا کارگران مکانیک" موانع موجود را برای فعالیت رسمی این تشکل بر دارند. اما همانطور که انتظار می رفت بعد از چندین بار مراجعه به اداره کار و بحث و جدل های جدی در این رابطه، اداره کارتحت هیچ عنوانی زیر بار به رسمیت شناختن "سندیکای کارگران مکانیک" نرفت و اظهار داشت تنها در قالب شورای اسلامی حاضر به همکاری است. ما اعلام نمودیم، که علیرغم نظر اداره کار اعلام موجودیت کرده، و با تعیین محل دفتر، فعالیت رسمی خود را شروع خواهیم کرد، که بلافاصله با مخالفت اداره کار مواجه شدیم و با تهدید و بیان این که ما مسئله را به مراجع امنیتی اطلاع خواهیم داد، می خواستند با ایجاد ارباب ما را از تصمیم گرفته شده منصرف نمایند.

دوستان فعال ما با حمایت سندیکای کارگران خیاط همچنان در میان کارگران به فعالیت خود ادامه دادند. در این مرحله از کار، ما با مشکل دیگری بر خورد کردیم؛ کارگرانی با مشاغلی جدا از شغل مکانیکی خواستار شرکت حضور در این تشکل را داشتند از قبیل، کارگران ریخته گر، تراشکار، نقاش، و... در حالی که ما خواستار تشکیل سندیکای کارگران مکانیک بودیم. در این ارتباط تصمیم گرفتیم که اسم تشکل را از سندیکای کارگران مکانیک به کارگران "فلزکار" تغییر بدهیم. دوستان هر روز با دیدی وسیعتر نسبت به قبل و با شهامتی بی همتا به فعالیت می پرداختند.

مشکل دیگری که پیش رو وجود داشت، جلب اعتماد کارگرانی بود که باید باور می داشتند که این یک تشکل مستقل و جدای از احزاب می باشد که کار خود را ادامه میدهد. که این با جوسیاسی موجود به دلیل اوضاع وقت منطقه (کردستان) بسیار مشکل بود. دوستان روزها و شبها، بی وقفه در محله های کارگری مشغول به فعالیت شدند که این امر باعث شده بود تا رابطه بسیار عمیقی بین دوستان بوجود آید تا جایی که رابطه ها به صورت روابط خانوادگی تبدیل شد، و همین فعالیت در محلات کارگری باعث شد که دوستان کارگر دیگری از مشاغلی غیر از اصناف ذکر شده، حتی کارگران ساختمانی جذب این تشکل شوند، تا جایی که دوستان مجبور شدند تا در حوزه کار "سندیکای کارگران فلزکار" تجدید نظر کنند و با مضمونی کلی بخش وسیعی از کارگران شهر را مخاطب قرار دهند؛ که بعد از بحث های فراوان و شور و شوق با دوستان کارگر، به این نتیجه رسیدیم که تشکل مذکور در قالب یک اتحادیه که تمامی کارگران را در برگیرد تشکیل دهیم. از طرفی اداره کار حتی از پذیرفتن ما به عنوان یک سندیکا سرباز میزد تا چه رسد به یک اتحادیه به نام "اتحادیه کارگران صنعتگر". تصمیم گرفتیم که در برابر تهدیدات اداره کار و دیگر مراکز با توجه به نیروی کارگران، عقب نشینی نکنیم و با دائر کردن دفتر اتحادیه موجودیت خود را راسما اعلام نماییم.

اولین دفتر اتحادیه در یکی از کوچه های خیابان سیروس بود. بعدا در یکی از مراکز پرتردد شهر سنندج در مکانی به

اسم پاساژ عزتی در طبقه اول محلی را برای دفتر اتحادیه اجاره گرفتیم و با کمک دوستان به تهیه میز و صندلی، فایل و نیمکت و... پرداختیم. در اواخر تابستان و با نصب تابلوی " اتحادیه کارگران صنعتگر " و تهیه مهر و آرم اتحادیه ( طرح آرم اتحادیه شامل یک چرخ دنده بود که در وسط آن دستی به صورت اتحاد طراحی و در دور چرخ دنده نام اتحادیه نوشته شده بود ) که طراحی آن رایکی از دوستان فعال انجام داده بود آماده و بدین وسیله رسماً کار " اتحادیه کارگران صنعتگر " شروع شد.

دفتر اتحادیه از ساعت ۴ بعداز ظهر، مکان جمع شدن دوستان کارگر بود. از تمامی صنوف به اتحادیه مراجعه می شد و هر روز دوستان تازه و پرانرژی ای به جمع ما اضافه می شدند تا جایی که اکثر بعد از ظهرها دفتر اتحادیه که حدوداً ۳۰ متر مربع وسعت داشت جوابگوی حضور دوستان نبود. چند نفر از کارگران از طرف اتحادیه به اداره کار فشار آورده بودند تا این اداره، اتحادیه را به رسمیت بشناسد. اداره کار به خاطر حضور کارگران و وسعت کار اتحادیه ناچار شد بپذیرد، تا لیست بیمه کارگرانی که در کارگاه ها مشغول به کار بودند را بعد از تأیید " اتحادیه کارگران صنعتگر " و مهور به مهر این اتحادیه، تحویل سازمان تأمین اجتماعی شود، که در غیر این صورت، لیست بیمه از نظر اداره کار فاقد اعتبار بود. چرا که ما آمار کارگران در کارگاه های مختلف را داشتیم و کارفرمایان از بیمه کردن کارگران سر باز میزدند. ما به عنوان اتحادیه در این رابطه با اداره کار درگیر شده بودیم که اداره کار رسماً تأیید اسامی کارگران شاغل در مراکز کارگری را بعهده ما گذاشت تا ما بتوانیم به این طریق بر لیست بیمه نظارت داشته باشیم.

این یک دست آورد بسیار مهمی برای اتحادیه بود. به چند دلیل، اول اینکه اداره کار با این اقدام هر چند غیر رسمی مجبور شده بود که ما را به رسمیت بشناسد و دوم اینکه با اهرمی که به دست آورده بودیم توان ارتباط گیری و فضای مناسبی را در محیط کار کارگران برای ما بیشتر از گذشته شده بود و همچنین با این توانمندی در راستای بیمه کردن کارگران شاغل تلاش میکردیم.

زمستان سال ۱۳۶۵ با توجه به وضعیت کار فصلی کارگران و اوقات فراغت بیشتری که داشتند همیشه دفتر اتحادیه از حضور دوستان کارگر سود می برد. اکثر اوقات این حضور با بحث در مورد مسائل و مشکلات کارگری و روند رو به رشد این مبارزات و گفتگو در مورد روند کار اتحادیه تبادل نظر می شد.

تا آنجا که حضور ذهن دارم یکی از کارهای با اهمیت و پر حوصله دوستان کارگر متشکل در اتحادیه کارگران صنعتگر، حضور در محلات کارگری و ایجاد روابط خانوادگی و دادن آموزش های لازم از جمله گذاشتن کلاس های سواد آموزی در این محلات بود، اگر می شود در این رابطه توضیحات لازم را باز گو نمائید.

در ارتباط با هر چه عمیق تر کردن روابط کارگران پیشرو با دیگر کارگران، اقدام جالبی در دستور کار قرار گرفته شد. تعداد زیادی از دوستان در رابطه با تعمیرات مسکن و... بصورت دوستانه به کمک کارگران می رفتند و در تعمیر مسکن آنان همکاری می کردند. تعدادی دیگر در رابطه با معضل بی سوادی دست به کار شدند و به این صورت شبانه با دایر کردن کلاسهای خانوادگی به امر آموزش سواد می پرداختند. در این کلاس ها خانواده های کارگری ( همسران و دیگر افراد بی سواد ) حضور داشتند. دلیل شبانه بودن آن این بود که هم فضای دوستانه تری بر ارتباط حاکم می شد و هم به خاطر این بود که کارگران در روز مشغول کار کردن بودند و وقت لازم برای این کار وجود نداشت. این امر باعث پیوند عمیق و همچنین با سواد شدن تعدادی قابل توجه از دوستان بی سواد شده بود.

به یاد دارم در سال ۱۳۶۵ توسط اتحادیه کارگران صنعتگر و دیگر دوستان کارگر مراسم روز جهانی کارگر ( اول ماه مه ) در سالن کارخانه پوشاک سنندج بر گزار شد. اگر می شود در این مورد و چگونگی بر گزاری این مراسم توضیح دهید.

برگزاری اول ماه مه ( روز جهانی کارگر ) سال ۱۳۶۵ کارخانه پوشاک سنندج با تلاش و پیگیری چندین نفر از دوستان در اتحادیه کارگران صنعتگر و سندیکای خیاطان سنندج و چندین نفر از فعالین کارخانه پوشاک سنندج برگزار شد. قبل از برگزاری مراسم چندین نفر از کارگران پوشاک، خیاط، فلزکار به نمایندگی از



کارگران به اداره کار مراجعه کردند. بعد از رفت و آمد های مکرر موفق به اخذ مجوز و برگزاری این مراسم در فضای سر بسته شدند. که در نهایت سالن تجمع کارخانه پوشاک سنندج برای برگزاری مراسم تعیین گردید.

مراسم راس ساعت ۴ بعد از ظهر با حضور قابل توجه ای از کارگران آغاز شد. فضای سالن با نوای آهنگ های شاد و همچنین پلا کادر های نصب شده در گرامی داشت روز ۱۱ اردیبهشت جلوه خاصی به خود گرفته بود. مراسم با گرامی داشت یاد جانباختگان آغاز شد. در ادامه چند نفر از کارگران به سخنرانی و بحث درباره مسائل کارگری پرداختند که با تشویق کارگران روبرو شد. در میان برنامه بخشی به نام تریبون آزاد گنجانده شده بود که با حضور یکی از کارگران و صحبت های بسیار قابل فهم و اساسی در ارتباط با جنگ ایران و عراق و مسائل و مشکلاتی که به واسطه همین جنگ گریبان گیر کارگران شده بود ارائه شد. وی در ادامه به این نکته اشاره نمود که این جنگ به صورت منبع درآمدی برای عده ای قلیل تبدیل شده که به یمن این جنگ ثروت بیشماری را به دست آورده اند، اما در عوض کشتار، فقر و فلاکت ما کارگران را بیشتر و روز به روز جیب ما کارگران خالی می شود. که این گفته ها با تشویق غیر قابل توصیفی روبرو شد، به حدی که تا دقایقی کنترل برنامه غیر ممکن بود. این مراسم که به مدت ۲ ساعت ادامه داشت با پذیرائی از مهمانان خاتمه یافت.



بله، یاد آوری این گونه خاطرات جدای از تجارب خاص خود یک نوع احساسی را زنده و فضای آن دوران دوباره تداعی میشود. میخوامم درباره برگزاری مراسم اول ماه مه سال ۱۳۶۶ هر چه را که لازم میدانی و آنچه را که به یاد داری برای خوانندگان بیان کنی.

یکی از مباحث ما چگونگی برگزاری روز جهانی کارگر ( اول ماه مه ) سال ۱۳۶۶ بود. به همین منظوری یک ماه قبل از برگزاری اول ماه مه، کمیته ای برای برگزاری این روز تشکیل شد.

تیم های مختلفی سازماندهی شده بود. کارگران بر اساس وظائف تعیین شده در محل کار و زندگی در رابطه با روز جهانی کارگر اهمیت برگزاری این روز و سد و موانع پیش رو، کار تبلیغ و ترویج را در دستور کار گذاشتند و به این ترتیب کارهای اولیه شروع شد.

جمعی دیگر از کارگران در ارتباط با تهیه وسائل مورد نیاز، از قبیل میز، صندلی، شیرینی امکانات صوتی و تصویری و... وظائفی را بر عهده گرفته بودند.

تعدادی دیگر از کارگران در زمینه کارهای هنری از قبیل اجرای نمایشنامه، دست به کار شده و با یکی از دوستان (یادش گرامی باد) که در زمینه کارتئاتر فعالیت می کرد کار خود را شروع کردند. تمرین کار تئاتر در دفتر اتحادیه

صورت می گرفت. مضمون این نمایش مشکلات کارگری در محیط کار بود که توسط یکی از کارگران نوشته و آماده شده بود. حجم کار و فشردگی کار به حدی زیاد بود که نیاز بود دفتر اتحادیه صبح ها هم باز باشد. به این منظور یکی از کارگران بیکار به عنوان منشی با حقوقی در حد توان اتحادیه که از حق عضویت



کارگران فراهم می آمد، موظف شد که صبح ها در دفتر اتحادیه حضور داشته تا کارهایی از قبیل تائید لیست بیمه (که قبلا توضیح آن داده شد) صدور کارت عضویت، ثبت نام اعضای جدید و... را بعمل آورد.

اعضای رسمی اتحادیه روزبه روز بیشتر می شد. دلیل آن حضور دوستان در ارتباط با تبلیغ و کار مستقیم در رابطه با برگزاری اول ماه مه بود. در فروردین سال ۱۳۶۶ چند نفر از کارگران جهت دریافت مجوز برگزاری مراسم اول ماه مه و مکانی مناسب برای این روزبه اداره کارسندج مراجعه کردند، اما همانطور که انتظار می رفت با جواب منفی و تهدید اداره کار مواجه شده بودند. بر این اساس ما مصمم بودیم که این روز را برگزار کنیم.

در این ارتباط بعد از بحث و مجادله های فراوان تصمیم گرفته شد که روز جهانی کارگر، اول ماه مه، در همان مکان دفتر اتحادیه یعنی در پاساژ عزتی واقع در چهارراه شهدا (فرح سابق) برگزار شود. دو هفته قبل از اول ماه مه، پر کارترین و پر مشغله ترین اوقات اتحادیه بود، به نحوی که بعد از تعطیلی دفتر اتحادیه، از ساعت ۱۰ شب در منزل دوستان کارگر تا پاسی از شب جلسات کمیته برگزار کننده اول ماه مه در جریان بود.

برنامه ریزی صورت گرفت و برنامه ها مشخص، و تعیین شد. که؛ تاریخچه اول ماه مه، مسائل و مشکلات کارگری در ایران، اجرای نمایشنامه، موقعیت اتحادیه کارگران صنعتگر را شامل می شد.

روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۶۶) از صبح در محل دفتر اتحادیه در پاساژ عزتی، جوش و خروش دوستان کارگر فضائی غیر از روزهای دیگر را بوجود آورده بود. کارگران در چیدن میز و صندلی و تزئین سالن دست به کار شدند. پلاکاردهایی در رابطه با این روز نصب و شعار "کارگران جهان متحد شوید" فضای سالن را عوض کرده بود.

مراسم از ساعت ۳ بعد از ظهر با حضور کارگران و خانواده های آنان یا یک دقیقه سکوت به یاد تمام جان باختگان و فعالین کارگری آغاز و سخنرانی درباره تاریخچه این روز ارائه شد. بعد از آن گروه نمایش کار خود را ارائه داد. این نمایش که توسط کارگران عضو اتحادیه آماده شده بود، به مشکلات کارگران در محیط کار پرداخته، که با استقبال حاضرین رو برو شد. بعد از آن در رابطه با مشکلات و مطالبات کارگری مباحثی ارائه شد. بعد از اجرای این برنامه ها توسط گروه پذیرائی، از مهمانان با شیرینی پذیرائی به عمل آمد. آخرین سخنران که من بودم در مورد نقش و جایگاه

اتحادیه صنعتگران و ضرورت تشکل کارگری و معضلات موجود مطالبی را بیان کردم.

واقعا مراسم باشکوه و درنوع خود با توجه به شرایط دهه ی ۶۰ ، بی سابقه و کم نظیر بود. ما شاهد حضور صد ها نفر از کارگران و خانواده های کارگری در این مراسم بودیم. مباحثی که آن روز ارائه شد، با استقبال بی نظیری رو به رو گردید و جدای از آن، اراده دوستان بر این مسئله بود که با توجه به ممانعت اداره کار و تهدید های پلیسی این روز گرامی داشته شد. ابراهیم عزیز، بعد از سخنرانی شما که آخرین سخنران بودید به یاد دارم که یک دفعه سالن به خاطر دادن شعارهایی خاص به هم ریخت ، اگر ممکن است در این رابطه توضیح دهید.

بله؛ بعد از سخنرانی من مراسم ، با شکوه خاصی داشت پیش می رفت. که با تحریک یکی از شرکت کنندگان و دادن شعار های بسیار تند، فضای موجود مراسم اول ماه مه، از روال عادی خود خارج و تبدیل به یک حرکت اعتراضی شد. دوستان انتظامات که با بستن بازو بند بر روی بازوی خود مشخص شده بودند و وظیفه ایجاد نظم را در مراسم به عهده داشتند، با تمامی توان خود نتوانستند که فضای موجود را به روال عادی برگردانند. شرکت کنندگان با شعار های ضد دولتی مکان مراسم را به سمت خیابان چهارراه شهدا ترک کردند و اوضاع کاملا از کنترل ما خارج شد. حدود یک ربع ساعت این تجمع در چهارراه شهدا و نزدیک پاساژ عزتی ادامه داشت و بعد از آن شرکت کنندگان متفرق شدند.

لطفا در مورد بازتاب مراسم روز جهانی کارگر در شهر سنندج ، و همچنین مسائلی که در حین برگزاری مراسم ، بعد از سردادن شعارهایی که در آن روز داده شد، و باعث حرکت اعتراضی در چهارراه شهدا گردید و عواقبی که این حرکت در رابطه با اتحادیه بوجود آورد توضیح دهید.

مراسم اول ماه مه سال ۶۶ کاملا فضای شهر را دگرگون ساخت و به بحث مردم بویژه کارگران شهر تبدیل شده بود. از سوئی دیگر پلیس، با به دست گرفتن بهانه حرکات ضد امنیتی، در مکان پاساژ در حین برگزاری مراسم، این اعتراض را دست آویز خود کردند. متاسفانه عمل ناسنجیده و عدم درک شرایط زمانی و مکانی، باعث تعطیلی دفتر "اتحادیه کارگران صنعتگر" شد. جدای از این با تحت تعقیب قرار دادن اعضای کمیته برگزاری اول ماه مه ، فضای علنی کاری را برای فعالین کارگری کاملا از بین برد. در این رابطه ارتباطات علنی دوستان کارگر به ارتباط مخفی تبدیل شده و جلسات و تجمع فعالین کارگری از دفتر اتحادیه به محل سکونت و منازل کارگران کشانده شد. مدت فعالیت و عمر اتحادیه در شرایط مخفی به مدت یک سال دیگر به صورت کجدار و مریز، تا اول ماه مه سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. بعد از پایان مراسم اول مه ۶۷ که در دبیرستان رازی واقع در خیابان وکیل برگزار شد فعالیت اتحادیه کاملا سرکوب و از بین رفت و همانطور که خود اطلاع دارید بعد از برگزاری مراسم سال ۶۷ ما و اکثر دوستان دیگر دستگیر و زندانی شدیم.

جدای از موانع و ارباب های پلیسی ، مشکلاتی که هم اکنون هم پیش روی جنبش کارگری و تشکل های کارگری است را چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر تشکلی چون اتحادیه کارگران صنعتگر در آن مقطع، با توجه به موارد ذکر شده به منافع طبقاتی خود بیشتر آگاه می بود، این تشکل می توانست، بعد از ۲۳ سال امروز، منسجم و بسیار قدرتمند به عنوان یک وزنه طبقاتی در مناسبات اجتماعی در دفاع از خواستهای طبقاتی کارگران، در دفاع از منافع خود، توان مفاصله را داشت و امروز به جای برگزاری ده ها نفری در اول ماه مه ، نه تنها با توانمندی حضور می داشت، بلکه جنبش کارگری می توانست با

قدرت و پشتیبانی نیروی متحد خود امروز قدرتمند تر از گذشته، در مقابل سرمایه ایستادگی کند. امروز جنبش کارگری قدم هائی را برداشته است. باید از تجارب گذشته در راستای دفاع از مبارزه طبقاتی استفاده کرد. کارگران و تشکل های کارگری باید بر اساس نیاز و منافع طبقه کارگر به ادامه کاری خود بیندیشند و در هر شرایطی باید منافع جنبش کارگری در اولویت قرار گیرد. کارگران و فعالین و پیشروان کارگری باید با هوشیاری از نفوذ تشکل ها و جریانات کارگر نما (خانه کارگر و...) و اشخاص و جریاناتی که بر روی گرده کارگر سوار می شوند و می خواهند در راستای منافع و افکار حقیر و تنگ و تاریک خود به دنبال چیزی جدا از منافع طبقاتی، از طبقه کارگر استفاده ابزاری بکنند، و درکل، با نفوذ تمامی نهاد های ضد کارگری در جنبش کارگری، باید با تمام توان و هوشیاری جلوگیری بعمل آورده شود، اگر بلا فاصله با مشاهده این خطر دست بکار نشویم و از نفوذ تمامی جریانات غیر کارگری جلوگیری نکنیم، فاجعه پشت فاجعه تکرار خواهد شد. بی شک کارگران باید در ایجاد تشکل های طبقاتی گام برداشته و نهایتاً کارگران خود در پروسه مبارزه ای آگاهانه و بنا به ضرورت و با توجه به شرایط لازم، باید حزب خاص خود را ایجاد نمایند تا سازمان یافته شده در برابر سرمایه ایستادگی کنند.

شما کاملاً به نکاتی اشاره کردید که امروز جنبش کارگری به انحاء مختلف با آن دست به گریبان است. به راستی باید کارگران و پیشروان کارگری با بررسی دقیق شرایط و معضلات جنبش کارگری، اول اینکه؛ باید با نفوذ تمامی اعوان و انصار سرمایه داری از هر رنگ و لباسی، از جمله، سندیکالیست های هزار چهره گرفته، تا رفرمیست های چپ نما و تمامی گرایشات راست درون جنبش کارگری، مبارزه کنند. بی شک پیش شرط مبارزه کارگران، اتحاد طبقاتی در راستای منافع طبقه، به مثابه طبقه جهانی می باشد. باید بنای تشکلهای ای را پایه ریزی کرد که خود کارگران از پائین ترین سطوح آن در تمامی عرصه های گوناگون آن تشکل حضور داشته و نقش آفرین و دخالتگر باشند. بی شک عالی ترین شکل تشکل، "شورا های کارگری" می باشد که با هژمونی طبقه کارگر هدایت و سازماندهی می شود. اگر ماکارگران به افق و دورنمای منافع طبقاتی خود آگاه نباشیم، بر اساس فاکتور های متعدد، به سر منزل مقصود نخواهیم رسید. و دیگر آنکه؛ من هم با شما، هم عقیده هستم که کارگران باید در زمان و شرایط خاص، ایجاد حزب کارگری را با نیرو خود کارگران و با توانمندی طبقاتی در دستور کار خود بگذارند. آنچه مسلم است منافع جنبش کارگری در هر زمانی در اولویت خاص خود قرار دارد. در آخرین گفتگوی صمیمانه از حضور شما تشکر می کنم و امید است که تجارب شما و دیگر پیشروان کارگری برای ادامه مبارزه طبقاتی مثمر تر واقع شود. به امید آگاهی روز افزون جنبش کارگری و حضور میلیونی کارگران در مبارزه با تمامی مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری. من هم از شما تشکر می کنم. امید وارم که شاهد رشد و آگاهی طبقاتی جنبش کارگری باشیم.

مصاحبه بهزاد سهرابی با ابراهیم وکیلی درباره "اتحادیه کارگران صنعتگر"

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

<http://www.komitteyehamahangi.com>

[komite.hamahangi@gmail.com](mailto:komite.hamahangi@gmail.com)